

آسیب شناسی اجتماعی

به سوی نگاهی علمی و کاربردی در آسیب شناسی مسائل اجتماعی در ایران

مدیریت و کنترل آسیبهای اجتماعی نه تنها امری ممکن که امری ضروری است. برای این مهم ابتدا باید با رویکردی واقعی به سراغ آسیبهای اجتماعی رفت و این امر نیازمند داشتن داده های قابل استناد است.

مدیریت و کنترل آسیبهای اجتماعی نه تنها امری ممکن که امری ضروری است. برای این مهم ابتدا باید با رویکردی واقعی به سراغ آسیبهای اجتماعی رفت و این امر نیازمند داشتن داده های قابل استناد است.

به گزارش خبرنگار مهر، یادداشت پیش رو به قلم زهرا محسنی فرد، دانشجوی دکتری جامعه شناسی مسائل اجتماعی دانشگاه تهران با عنوان به سوی نگاهی علمی و کاربردی در آسیب شناسی مسائل اجتماعی در ایران از نظر شما می گذرد؛

هنگامی که قصد داریم از یک مفهوم در حوزه علوم انسانی سخن بگوییم، آنچه در ابتدا مهم است ارائه یک تعریف مشخص از آن مفهوم است. تعریفی که بر آن اتفاق نظر نسبی وجود داشته باشد و بر مبنای آن گفت وگو، نظریه پردازی و نهایتاً ارائه راهکار شکل بگیرد. اهمیت این موضوع در حوزه علوم اجتماعی دوچندان است چرا که در اغلب موارد، افراد تعریفی از مفاهیم مورد استفاده در این حوزه در ذهن خود دارند. این مفاهیم در یک بستر فرهنگی، اجتماعی و تاریخی شکل گرفته و می توانند از فرهنگی تا فرهنگ دیگر و از زمانی تا زمان دیگر متفاوت باشند.

به مفهوم جرم، کجروی، ناهنجاری و یا «آسیب های اجتماعی» توجه کنید. از طرفی معنای جرم و آسیب بسیار متأثر از فرهنگ و بستر زمانی است و از طرفی داشتن یک تعریف نسبتاً مشترک در دادن ارائه راهکار برای مواجه شدن با آن ضروری است. ما ابتدا باید بدانیم وقتی از آسیب های اجتماعی سخن می گوئیم یا وقتی از وضعیت آسیب های اجتماعی سخن می گوئیم دقیقاً منظور و مقصود چیست. همچنین مهم است که تصور ما از مفاهیم و وضعیت آسیب های اجتماعی بر اساس چه داده هایی ساخته شده اند. اگر می گوئیم وضعیت آسیب های اجتماعی در کشور بسیار فاجعه بار است و هیچ آمیدی نیست بر اساس کدام داده هاست؟ یا چگونه است که فکر می کنیم وضعیت آسیب های اجتماعی خیلی خوب است و لازم نیست هیچ کاری انجام دهیم؟ با گسترش قابل توجه قدرت رسانه ها و به علت وقت زیادی که هر فرد در مواجه با آنها می گذراند تصور ما از نه تنها از جرم و آسیب بلکه از واقعیت، همسو با نگاه ارائه شده در رسانه ها شکل می گیرد. متأسفانه در خصوص آسیب های اجتماعی این نگاه بسیار غیر واقعی است. برای مثال تحقیقات در ایران نشان می دهد که رسانه ها تنها نیمی از جرایم را بازنمایی می کنند جرایم خشن بسیار بیشتر از جرایم دیگر بازنمایی می شوند و طبقات پایین به عنوان بزرگترین گروه جرمی معرفی می شوند. (صادقی و امینیان، ۱۳۹۲) و جرایم یقه سفیدان و طبقات متوسط و صاحب ثروت در عین به بار آوردن دامنه ی گسترده تری از پیامدهای منفی نادیده گرفته می شوند.

در بررسی مسائل و آسیب های اجتماعی و برای تلاش در جهت کاهش این آسیب ها، بیش از هرچیز نیازمند نگاه هایی هستیم که مبتنی بر داده های صحیح شکل بگیرند و از بزرگ نمایی یا کوچک شمردن آنها پرهیز کنند. اینجا است که می بایست پژوهشگران با نگاهی فراتر از آنچه رسانه ها بازنمایی می کنند و یا آنچه از باورهای عامیانه [۱] برآمده است به میدان بیابند پژوهش هایی که به نظر می آید در فضای کنونی بسیار نیازمند نگاه های ژرف نگر و به دور از ساده انگاری اند.

در بررسی آسیب های اجتماعی دیدن هر مساله، در زمینه اجتماعی که در آن ایجاد شده و توجه به تفاوت ها و متغیرهای تعیین کننده، برای پرهیز از پیچیدن نسخه های واحد برای آسیب های اجتماعی ضروری است و این امر خود نیازمند پژوهش هایی است که با متدولوژی های چندروشی و ترکیبی انجام شوند (البته با در نظر گرفتن تناسب هستی شناختی و معرفت شناختی در روش هایی که باهم ترکیب می شوند). برای نمونه، لحاظ کردن "تفاوت های جنسیتی" در تبیین آسیب های اجتماعی و ارائه راهکار برای آنان بسیار مؤثر است و نادیده گرفتن یا عدم توجه کافی به آن ها می تواند خود آسیب های تازه ای ایجاد نماید. همان گونه که برخی تحقیقات نشان داده اند تجربه زنان از زندان و زندگی آنان پس از آن بسیار متفاوت با مردان است و توجه نداشتن به عدم تناسب ساختار مردانه ی زندان برای زنان مسائل جدیدی ایجاد کرده است. (میرحسینی و صادقی، ۱۳۹۶). اگر از کودک کار می گوئیم و می خواهیم راهی برای آن پیدا کنیم باید بدانیم که تجربه زیسته کودک کار دختر با پسر متفاوت است راهکارش هم متفاوت است. اگر برای طلاق و بازسازی زندگی پس از آن برای زوجین می خواهیم پیشنهادی بدهیم باید در نظر بگیریم هریک به واسطه

جنسیت شأن نه به عنوان امری بیلوژیک بلکه به عنوان امری کاملاً اجتماعی و فرهنگی مسائل متفاوتی را تجربه می کنند و نیازمند راهکارهای متفاوت هستند. (مریم ایثاری، ۱۳۹۷)

علاوه بر این، ارائه ی سنخ شناسی های مختلف درگیر در آسیب های اجتماعی نیز امری ضروری است. برای مثال، برخی پژوهش ها نشان می دهد در مساله حجاب، رعایت کردن یا نکردن هنجارها در پوشش با انگیزه های مختلفی صورت می گیرد. برخی تنها «حجاب گریز» هستند و برخی «حجاب ستیز»، اما شاهد هستیم که در سطح اقدام فرهنگی و اجتماعی در برخی نهادهای متولی امر حجاب در فضای عمومی، از یک راهکار واحد برای مواجهه با این دو سنخ متفاوت استفاده شده و این باعث می گردد تا گونه حجاب گریزان نیز به سمت حجاب ستیزی سوق یابند.

به نظر می آید برای فهم این تفاوت ها و داشتن داده هایی که امکان توصیفات فربه را فراهم کند ناگزیر به توسعه ی رویکردهای کیفی در حوزه مطالعه مسائل اجتماعی آنهم در جامعه ای مثل ایران هستیم، البته پژوهش های کیفی که بتوان آنها را با معیارهای موجود در این روش، عینی، قابل اعتبارسنجی و معتبر دانست. بدیهی است این امر به معنای نادیده گرفتن نیاز به پژوهش های کمی و عدم توجه به گردآوری داده های آماری دقیق نیست. درست است که نباید فراموش کرد آمار خود یک «برساخته اجتماعی» است و نقش تعریف ها در آن بسیار تعیین کننده است، اما اساساً یکی از مسائل بسیار مهمی که بررسی آسیب های اجتماعی در ایران را برای پژوهشگران این حوزه در سنت های مختلف روشی، دشوار و در مواردی غیر ممکن می سازد نبود آمارهای دقیق، ارائه آمارهای متناقض و یا از اساس در اختیار قرار نداشتن این آمارهاست.

مدیریت و کنترل آسیب های اجتماعی نه تنها امری ممکن، که امری ضروری است. برای این مهم، ابتدا باید با رویکردی واقعی به سراغ آسیب های اجتماعی رفت و این امر نیازمند داشتن داده های قابل استناد [۲] است. این داده ها باید در مسیر پژوهش هایی معتبر و به دست پژوهشگرانی حاذق به دست آیند. در نتیجه رونق در فضای پژوهش، پرهیز از پروژه انگاری پژوهش های اجتماعی و عدم تبدیل این عرصه به بازاری برای گرفتن بودجه های کلان و پژوه های بی نتیجه، منتشر شدن و به اشتراک گذاشتن پژوهش های در سطح ملی در بین اندیشمندان این حوزه به جهت، نقد و در نهایت رشد این پژوهش ها امری ضروری است. اگر اراده ای معطوف به حل آسیب های اجتماعی در بین تصمیم گیرندگان و مسئولین مربوط به این حوزه ها وجود داشته باشد که اولاً برای متخصصین و پژوهشگران این حوزه فرصت و امکان بررسی این مسائل را فراهم کند و ثانیاً جسارت به کار بستن این یافته ها را داشته باشد و در مقابل پژوهشگران و متخصصین این حوزه هر یک، بر اساس دغدغه های خاص و در پیوند با طرح علمی که دنبال می کنند (و نه صرفاً با انگیزه مالی) با نگاهی جامع، به بررسی مسائل اجتماعی بپردازند و با به اشتراک گذاشتن این یافته ها زمینه نقد و تکامل این دستاوردهای پژوهشی را فراهم کنند می توان به کنترل و مدیریت بسیاری آسیب های اجتماعی امیدوار بود.

منابع:

۱. صادقی فسایی، سهیلا؛ امینیان، احسان؛ (۱۳۹۲)، تبیین جامعه شناختی انعکاس جرم در مطبوعات، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی « زمستان - شماره ۲۴ علمی-پژوهشی ‏ (از ۱۹ تا ۴۲)

۲. صادقی فسایی سهیلا، میرحسینی زهرا؛ (۱۳۹۶) زندگی پس از زندان، چالش های بازسازی برای زنان، پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران (پژوهش های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی) پاییز، دوره ۶، شماره ۳ (از ۳۱ تا ۵۰).

۳. صادقی فسایی، سهیلا؛ ایثاری، مریم؛ سنخ شناسی الگوهای بازسازی زندگی پس از طلاق علوم اجتماعی (دانشگاه فردوسی مشهد) پاییز و زمستان ۱۳۹۷ - شماره ۳۲ علمی-پژوهشی (از ۱ تا ۳۲)

پی نوشت:

[۱] Common sence

[۲] fact